

بررسی عدالت آموزشی در جامعه مهدوی (حکومت اسلامی)

ندا اکبرزاده

لیسانس آموزش ابتدایی

نرگس ظریفی

لیسانس علوم تربیتی، آموزگار

چکیده

مهدویت و عدالت، یکی از آموزه های مهم اسلامی به ویژه شیعی است که بیشتر از منظر اعتقادی مورد توجه جامعه قرار گرفته است. گرچه پژوهش هایی در ارتباط با کارکردهای تربیتی این آموزه ها انجام شده است، اما کمتر پژوهشی است که به صورتی منسجم و نظام یافته این آموزه ها را از منظر تربیتی مورد بررسی قرار داده باشد. در این پژوهش تلاش کردیم تا از منظری تربیتی و نسبتاً نو، به این آموزه اصیل بنگریم و با واکاوی وجوه تربیتی آن، مشخصات تربیت و عدالت مهدوی را تبیین کنیم. برای دستیابی به این هدف، با بهره گیری از رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی به گردآوری داده های مورد نیاز پژوهش به شیوه کتابخانه ای پرداخته شده است. بدین معنا که ابتدا به گردآوری تعاریف مختلف از تربیت و توصیف آنها و سپس اختیار تعریفی مبتنی بر تحلیل به دست آمده از آن تعاریف و مؤلفه های آن اقدام شده است. در پایان یافته ها حاکی از آن است که نظام آموزشی با چالش در زمینه عدالت آموزشی مواجه است و ضروری است که دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت، معلمان و والدین با آشنایی و آگاهی کامل از آموزه های مهدوی، عدالت آموزشی متناسب با آموزه های مهدوی را در نظام آموزشی کشورمان توسعه دهند.

واژگان کلیدی: اسلام، تعلیم و تربیت، عدالت آموزشی، مهدویت

مقدمه

خداوند طی دوران مختلف، در تاریخ مداخله نموده و نمونه‌هایی زنده، یعنی پیامبران را - که می‌توانند ماهیت واقعی بشر و کمال او را از طریق ایمان به خداوند متذکر گردند - به سوی مردم روانه می‌کند. در آخرالزمان، پس از آن که بشر زمان را به هدر می‌دهد و باز هم زمانی که خود را نیازمند احیای معنویت و اخلاق می‌داند تا وظیفه تاریخی خود در ایجاد نظم الهی بر روی زمین بر عهده بگیرد، خداوند عیسی و مهدی را خواهد فرستاد تا ایمان ناب و خالص را احیا نمایند و کارهای ناروایی را که علیه بندگان درستکار خداوند روا داشته شده، جبران نمایند. در این میان، انسان‌ها باید به تلاش خود ادامه دهند تا ماهیت ازلی خود را از طریق اسلام (تسلیم) بشناسند. این است سیمای معنوی - اخلاقی مهدویت در اسلام. سیمای ظاهری اسلام، تحقق آن در جامعه‌ای سیاسی - دینی - یعنی امت - بود و (این امت) از تمام افرادی که در سراسر جهان به خداوند و وحی الهی از طریق محمد (ص) ایمان داشتند، تشکیل می‌شد. از این رو اعتقاد مسلمانان به رهبری مسیحایی که هدایت شده الهی است - یعنی مهدی - ریشه در قبول این امر دارد که کار و نقش محمد (ص) به عنوان پیامبر هدایت شده الهی - ایجاد این امت آرمانی بوده است. وحی اسلامی خود را بطور جدی درگیر تعیین آن دسته از شرایط بشری می‌داند که مانع از تحقق اهداف غایی الهی درباره بشریت است. تمدن بشری - آن گونه که قرآن تصریح می‌کند - سابقه جهاد (مبارزه) دائم علیه خودمحوری بشر و کوتاه‌فکری خودپرورده او است؛ یعنی همان دو منبع اصلی تنازع و نابودی بشریت که ملازم آن است. پیش از آن که واقعاً بتوان از طریق جهاد اصغر بر دشمن بیرونی که مانع از تحقق جامعه بشری مبتنی بر عدالت و صلح است، غلبه کرد، ابتدا باید از طریق جهاد اکبر بر دشمن درون پیروز شد. مبحث نجات و رستگاری در اسلام نشانگر وضعیت بحرانی بشر است و به سرنوشت عام بشر - یعنی حماسه بشری جست‌وجوی عدالت و صلح - معنا می‌بخشد؛ معنایی که انسان‌ها شدیداً بدان نیازمندند. این است جوهر مهدویت در اسلام (همان منبع، ۱۹۹۰).

عدالت از جمله مفاهیم تاریخی فلسفه سیاسی است که از گذشته تا به امروز، جزء آرمان‌های بشر بوده است این مفهوم یکی از خواسته‌های جدایی ناپذیر بشریت است که بنیان حقوق بشر را تشکیل داده است. مفهوم عدالت آموزشی نیز همواره و در همه اعصار مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است و آنان در طی زمان‌های مختلف تلاش نموده‌اند تا طراحی برنامه‌های درسی را به‌گونه‌ای انجام دهند که هر چه بیشتر به سمت نظریه‌های یادگیری مبتنی بر عدالت محوری سوق یابد. انواع نظریه‌های یادگیری را میتوان بر مبنای مفروضات فلسفی در قالب دو رویکرد تقسیم کرد و در یک طیف گنجانده که ابتدای آن عینیت‌گرایی و انتهای دیگر آن رویکرد سازنده‌گرایی قرار می‌گیرد. عینیت‌ها، سالها بر حوزه آموزش و پرورش سیطره داشت هاند و رویکردهای سنتی به یادگیری و تدریس را که بر اساس نظریه‌های رفتارگرایی و شناخت‌گرایی بوده، در بر می‌گیرد. این رویکرد در واقع زیربنای واقع‌گرا هستند، در تقابل با این دیدگاه و در آن روی طیف، سازنده‌گرایی قرار دارد که فرض اساسی و بنیادی آن، این است که دانش، مستقل از یادگیرنده وجود ندارد، بلکه دانش و یادگیری ماهیتی بنا شدنی دارد (نیکنام و مهرمحمدی، ۱۳۸۵).

مهمترین مسئله در بحث عدالت، توجیه‌پذیری روابط نابرابر در جامعه است. نابرابری در ثروت، قدرت و شئون اجتماعی، به رغم شباهت در استعدادهای افراد، واقعیت انکار ناپذیر همه جوامع بوده است. گذشته از آن‌هی چگونه رابطه معنا داری، میان نابرابری در ثروت، قدرت و استعدادها طبیعی وجود نداشته است. بنابراین دفاع از این نابرابری‌ها یا نفی آنها موضوع اصلی بحث عدالت است. به عبارت دیگر، عدالت در فلسفه سیاسی، مسئله‌ای است که در سطح نهادهای اجتماعی مطرح شده است. از بعد حقوقی، عدالت در تصمیم‌گیری‌های عادلانه جستجو می‌شود: تصمیمی عادلانه است که مطابق قانون باشد. اما از حیث فلسفه سیاسی،

بلافاصله مسئله عادلانه بودن خود قانون پیش می آید. پرسش این است که قانون عادلانه چیست و چگونه به دست می آید؟ در سطحی وسیع تر، باید پرسید که آیا نهادها و ساخت های جامعه عادلانه است یا خیر؟ بنابراین از دیدگاه فلسفه سیاسی؛ عدالت، صفت نهادهای اجتماعی است نه صفت انسان و اعمال او. منظور از عادلانه بودن نهاد اجتماعی این است که حقوق و مسئولیت ها، قدرت و اختیارات، مزایا و فرصت های وابسته به خود را عادلانه توزیع کند، اما باز مسئله ای اصلی باقی می ماند و آن اینکه عادلانه بودن در چیست؟ به این پرسش در فلسفه سیاسی غرب، دو پاسخ اصلی داده اند: اول، عدالت به معنای کسب منافع متقابل براساس توافق و قرارداد است که در آن انگیزه عمل عادلانه، تأمین منفعت درازمدت فرد است. دوم، عدالت به منزله بی طرفی است، به این معنا که بتوانیم از رفتار خودمان، بدون رجوع به منافعیمان دفاع کنیم (بشیریه، ۱۳۷۹).

سیر تطور تاریخی نشان می دهد که عدالت به عنوان نوعی ارزش، بازتاب وضعیت مطلوب جوامع بوده است. چگونگی ترسیم این وضع مطلوب، مبنای شکل گیری نهادها، روابط، ساختارها و نظام تعاملی مختلفی در بین افراد بشر شده است. تحقق این آرمان جز با حرکتی هماهنگ در همه عرصه های عمل اجتماعی میسر نخواهد بود زیرا درهم ریختگی اعمال خطمشی در این حوزه، مأخذ موازی کاری ها و همینطور انحراف از اهداف و عدم اثربخشی از یک سو و خنثی شدن یک اقدام توسط سایر اقدامات از سوی دیگر است. وجود یک نظریه واحد موجب خواهد شد که محوریت اقدامات در حوزه اجرای عدالت حفظ شده و کلیت سیستم، هدف واحدی را دنبال کند. یکی از حوزه های اجتماعی عمل عدالت، حوزه تعلیم و تربیت و به صورت خاص، نحوه اداره مدارس است که به نحو مستقیم در وضعیت نهایی توزیع بهره مندی ها، فرصتها و قدرت در جامعه تأثیر میگذارد و از سویی رشد فردی انسان ها را نیز متأثر از خود می سازد(دانایی فرد و جهرمی، ۱۳۹۴).

به رغم تمام کوشش های بشری برای ایجاد عدالت در طی اعصار، تاکنون بشر نتوانسته اجتماعی را که در آن تمامی امورات بر مبنایی عادلانه، وضع و اجرا شوند، برسازد. بلکه برخلاف، تو گویی همه چیز به سمت بی عدالتی پیش رفته است به طوری که انسان امروز بیش از گذشته نیاز به دادگری را احساس می کند. در تفکر شیعی، عدالت حقیقی و عالم گستر تنها با ظهور موعود آخر الزمان ممکن می شود. مقاله حاضر با محوریت عدالت به مقوله مهدویت می پردازد. بنابراین امام عادل امامی است که حق هر ذی حقی را می دهد یا پامال نمی کند. هر فرد یا چیزی را در جای خود قرار می دهد. از لحاظ رفتاری و منش و روش متوازن و متعادل است. از لحاظ نفسانی، گرد گناه نمی گردد. فضایل را در خویش نهادینه کرده است. در اجتماع، اقامه قسط و برابری قضایی سیاسی اجتماعی و اقتصادی می کند. مساوات ایجاد می کند. استحقاق ها را رعایت می نماید. در قانون گذاری رعایت مفسد و مصالح را می کند و به عبارتی، او هم قاضی عادل است، هم زمامدار عادل و هم قانون گذار عادل. او عدالت را از خداوند اقتباس کرده است که در اداره هستی و انسان به عدالت و رحمت تکیه دارد و همگان را به عدل امر می کند (هاجسان، ۱۹۹۵). آیات قرآنی عدل را چهار قسمت کرده: عدل تکوینی، عدل تشریعی، عدل اجتماعی و عدل اخلاقی و آنچه در قرآن در زمینه عدل اجتماعی آمده، چهار قسمت است: عدل خانوادگی، عدل قضایی، عدل اصطلاحی اجتماعی و عدل سیاسی بیشترین آیات مربوط به عدل و درباره عدل جمعی و گروهی است، اعم از خانوادگی، سیاسی، قضایی، اجتماعی و آموزشی با این حال تحقیقات بیانگر آن هستند که عدالت آموزشی در نظام تعلیم و تربیت ایران با شیب تندی در حال تضعیف شدن است، از این رو تحقیق حاضر در پی آن است که طریقی را متناسب با عدالت مهدویت در زمینه آموزشی مورد بررسی قرار دهد.

روش

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است که در آن از نتایج و یافته های تحقیقات و پژوهش های صورت پذیرفته در عرصه عدالت آموزشی و حکومت مهدوی استفاده شده است. اکثر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه حاکی از تضعیف عدالت آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی می باشند.، این تحقیق انجام شده است تا مولفه های اصلی عدالت آموزشی در نظام آموزشی را شناسایی و متناسب با عدالت مهدوی طرحی را در این زمینه مورد بررسی قرار دهد.

مروری بر تحقیقات صورت گرفته در زمینه عدالت آموزشی

در طی دهه اخیر توجه به توسعه مناطق مختلف در اقتصاد ایران و اجرای سیاست های منطقه ای آن مورد توجه دولت بوده است؛ به طوری که بر این موضوع در برنامه ریزی های کشور، به ویژه در برنامه چهارم و پنجم توسعه، تأکید شده است، زیرا برنامه ریزان و سیاست گذاران اقتصادی تلاش می کنند تا عدم تعادل های موجود را در شاخص های مهم کلان مناطق مختلف کشور کاهش دهند و بدین ترتیب سرریز ناشی از آن موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور شود. بر این اساس، هدف از برنامه ریزی منطقه ای توسعه و کاهش نابرابری هاست. لازمه برنامه ریزی منطقه ای، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر به لحاظ توسعه است (نظم فر و علی بخشی، ۱۳۹۳). شکی نیست که توزیع عادلانه امکانات و فرصتها برای اقشار محروم که از امکانات مالی محدود برخوردارند، یکی از آرمان های مطلوب یک جامعه تساوی خواه و عدالت طلب است و مسلم است که آموزش عالی می تواند یکی از کانال های مهم توزیع عادلانه امکانات و فرصت های آموزشی برای قشرهای بیشتری از جامعه باشد (توسلی، ۱۳۸۶).

یکی از جدی ترین مسائل در جهان گستردگی شکاف بین فقیر و غنی است، در میان فقر گسترده جهانی که در واقع روز به روز بدتر هم می شود، قسمت کوچکی از جمعیت جهان از فراوانی ثروت و دان شهای جدید لذت می برند. یکی از جنبه های این اختلاف در دارایی ها، شکاف دیجیتالی است، که به تعبیری می توان آن را تفاوتهای زیاد در دسترسی به فن آوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانست. میلیون ها نفر در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین برای بقا و زنده ماندن در این فقر مهلک تقلا می کنند در حالی که دیگران در دنیای صنعتی از تسهیلاتی که فن آوری های پیشرفته ارتباطات فراهم نموده لذت می ببرند، و از مزایای فرصت های آموزشی که به وسیله فن آوری اطلاعات و ارتباطات فراهم شده بهره مند می شوند، همچنین کار در دفاتر به واسطه استفاده از فن آوری های جدید اثربخش تر شده و بهره وری بالاتر رفته است. یکی از بدترین اثراتی که شکاف دیجیتالی داشته است، تأثیر منفی در تلاش های آموزشی در کشورهای در حال توسعه می باشد. فن آوری های دیجیتال فرصت های جدید محرکی در دستیابی به حجم وسیعی از اطلاعات جاری درباره تقریباً همه موضوعات، همچنین ارتباط بین اندیشه ها به روش های پویا و کارکردن اثربخش تر از زمان گذشته را برای فراگیرندگان در دنیای صنعتی فراهم می کنند. بدون دسترسی به مزایای فن آوری اطلاعات و ارتباطات، فراگیرندگان در کشورهای کمتر توسعه یافته ممکن است که بیش از گذشته از همتایان خود در کشورهای صنعتی عقب بمانند (تین، ۲۰۰۲). با استفاده از فن آوری های پیشرفته فراگیرندگانی که قبلاً به آموزش عالی دسترسی نداشته اند، امروزه فرصت تحصیل در موقعیت مکانی که بهترین تناسب را با نیازهای آنها دارد، پیدا نموده اند. قابلیت دسترسی به آموزش عالی همانگونه که عامل مهمی در فراگیری دانش و توزیع اطلاعات بین فراگیرندگان شناخته شده، عامل مهمی نیز در تعامل بین استاد و فراگیرنده محسوب می گردد. اگر آموزش الکترونیکی با ایجاد دسترسی بیشتر به آموزش عالی برای دانشجویان مفید واقع می شود، این افزایش دسترسی می بایست

هم در دسترسی به آموزش و هم در دسترسی به فن آوری، جایی که رایانه ها به عنوان عاملی ضروری در یادگیری اثربخش مطرح هستند، در نظر گرفته شود (ماپوا، ۲۰۰۹).

تلقی قرآن از عدل و عدالت به کیفیتی است که فرهنگ معاصر آن را درک نکرده و جامعه عدل مهدوی آرمان شهری است که آدمی هنوز ضرورتش را در نیافته است به همین دلیل رسالت این نوشتار کاوش از فرآیند فرهنگ عدالت در منظر وحی و نگاهی تطبیقی به عدل مهدوی است. اصولاً آنهایی که میخواهند طرحهای اسلامی را بررسی کنند ناگزیرند زیر بناها را در نظر بگیرند ایجاد مدینه فاضله عدل محور یکی از مهمترین این طرحهاست هر نظامی با توجه به اهداف و آرمانهای خود پایه های استقرار عدالت را در محورهای خاصی جست و جو می کند. شاید علت اینکه در حکومت علوی که مظهر عدالت در رأس آن بود، امام در محراب عبادت از شدت عدالت به شهادت رسید و مردم نیز نتوانستند او را تحمل کنند، فقدان عامل سوم بود؛ یعنی عدم درک صحیح مردم نسبت به حقوق خود؛ و الا از لحاظ قانون عادلانه و مجری عادل کمبودی نبود. اشکال در ضلع سوم مثلث عدالت بوده است و تا این سه ضلع تکمیل نشود، عدالت در حکومت و اجتماع تحقق نمی یابد و شاید علت تاخیر و طولانی ظهور حکومت و مدیریت عادلانه این باشد که شعور مردم و آمادگی ادراکی آنها بالا رود و همسنگ دو ضلع دیگر شود (کشیشیان، ۱۹۹۰).

واژه عدالت مترادف هایی دارد مانند: قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، میزان، انصاف و غیره که در فرهنگ قرآنی و احادیث به کار گرفته شده است. هر چند با نگاه دقیق، مفهوم هر یک از آنها با یکدیگر متفاوت است. عدالت مهمترین نیاز بشر و بزرگترین گمشده او است و راه تحقق عدالت آن است که ارکان ظلم و ستم از قلمرو حاکم و قانون دور شود. یکی از محورهای مهم و اساسی در این راه، پالایش نظام قضایی از ظلم و بیداد است. قاضی عادل، سیستم قضایی عدالت مدار و قانون عدل، تضمین کننده عدالت است (وال جان، ۱۹۹۱). در همین راستا آموزش و شاخص های آن، به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های توسعه، با ایفای نقش اساسی و سرنوشت ساز خود، در روند توسعه همه جانبه نقش بسیار محوری دارند و شرط لازم برای رسیدن به توسعه جوامع را فراهم می آورند. کما اینکه در زمان کنونی، توجه به بخش آموزش و تحقیقات و توسعه آن به منظور افزایش توان رقابت کشورها و دستیابی به توسعه امری اجتناب ناپذیر است. از این رو، توزیع عادلانه و برابری فرصت های آموزشی در بُعد کلان نوعی نگاه انسان گرایانه را با خود همراه دارد که غالباً شاخص جامعه توسعه یافته در نظر گرفته می شود (نظم فر و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی منبع پایدار هر جامعه نیروی انسانی آن است که از لحاظ فکری، عاطفی، و اجتماعی تربیت شده باشد. بخش عمده ای از سرمایه گذاری کشورها باید معطوف به آموزش نیروی انسانی شود، زیرا با بالارفتن توان نیروی انسانی از طریق آموزش شاهد رشد و توسعه چشم گیر کشورها خواهیم بود. بدون تردید، نظام آموزشی نقشی اساسی در تربیت نیروی انسانی و توسعه جامعه دارد و نیروی انسانی کارآمد در سایه فرصت های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. حصول این هدف هرچند دشوار و طولانی است، در جهت جست و جوی جهانی عادلانه تر و بهتر برای زیستن ضروری محسوب می شود (پورپاکی، ۱۳۹۳).

برابری آموزشی برای جوامعی که آموزش یک تعیین کننده حیاتی فرصت های زندگی می باشد یک واجب اخلاقی به شمار می رود. هنوز بعضی از مدیران در خصوص سرمایه گذاری آموزش مردمان بسیار نیازمند اکراه داشته و در مورد این که آیا این پول در نتایج آموزشی این دسته از دانش آموزان تفاوت ایجاد میکند بدبین هستند (لوین، ۲۰۰۹). امروزه آموزش به عنوان یکی از توانمندترین ابزار برای پیشرفت انسان ها و سازمان ها مطرح شده است. با توجه به سرعت جریان تغییرات و تحولات علمی، فنی و لزوم استفاده

از نیروی انسانی با کیفیت، اهمیت و لزوم آموزش بیش از پیش مشخص می گردد. در ایران به علت پهنای کشور و پراکندگی متقاضیان در نقاط مختلف کشور و برخی مسایل دیگر از قبیل، محدودیت های شغلی، عدم وجود رشته های مورد علاقه برای متقاضیان در شهر محل سکونت آنان و داشتن فرزند خردسال نیازمند به مراقبت و همچنین محدودیت های جسمی و ... عملاً یا از ادامه تحصیل باز می مانند و یا در رشته های تحصیلی که به آن علاقه ندارند مشغول به تحصیل می شوند، که در هر دو مورد تبعات منفی به همراه دارد. در مواردی هم که رشته های مورد علاقه متقاضیان در شهرستان ها وجود دارد، آموزش های ارائه شده از کیفیت مطلوب برخوردار نیست. همچنین ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی در نقاط مختلف کشور یکسان نبوده و متقاضیان آموزش از امکانات یکسان برخوردار نمی باشند. به منظور فائق آمدن بر مسائل و مشکلات یاد شده می بایست بستری فراهم گردد که بتواند فرصت های برابر آموزشی را در اختیار کلیه متقاضیان قرار داد. در دنیای کنونی فناوری اطلاعات و ارتباطات در کلیه زمینه های زندگی بشر اشاعه یافته است. می توان این فن آوری در زمینه های آموزشی نیز به کار بست و بوسیله آن مشکلات و مسائل آموزشی سطح جوامع را کاهش داد و یا از میان برداشت. در حال حاضر آموزش های مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات در بسیاری از نقاط جهان تا حدود زیادی توانسته است مشکلات و مسایل آموزشی را کاهش دهد، موفقیت در به کار گیری این فن آوری به ویژه در کشورهایی که از زیر ساخت های آموزشی ضعیف تری برخوردار هستند محسوس تر است (سیاری و همکاران، ۱۳۹۱).

فرهنگ قرآن پس از گذشت سال ها، حرفه ایی دارد که هنوز فرهنگ معاصر ما از آن عقبتر است. تلقی قرآن از جامعه عدل و کیفیت آن را فرهنگ معاصر هنوز درک نکرده است. این فرهنگ، انسان را به گونه ای تحلیل میکند که بر اساس آن، برای او تربیتی همچون تربیت درخت و حیوان در نظر میگیرد و برای او مدینه فاضله و جامعه عدل مداری را ترسیم میکند که تنها در سیستم اومانیزم و انسان محوری می توان بدان دست یافت. بر همین اساس، پایان تاریخ را با حاکمیت دموکراسی و قوانین مدنی برخاسته از آن به تصویر میکشد. وجه سوم عدالت در نظارت عدالت به معنای مساوات و رفع تبعیض است چرا که لسان اخبار مطلق است و همگان را شامل می شود حتی خود حضرت علاوه بر اینکه از سوی خداوند تحت نظارت است. از سوی مردم هم به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و بوسیله نور در کف دست هر فرد تحت نظارت است هر چند عصمت درونی او را بی نیاز کرده است ولی عدالت اقتصادی تعمیم در نظارت را دارد. چرا که ملاک نظارت وجود اختیار و مسئولیت است. و بالاترین مسئولیت در اختیار مهدی (عج) است. (او نیز همانند جدش علی(ع)) که خود را از نظارت مستثنی نمیدانست و مردم را به نصیحت خویش دعوت میکرد، خود را از نظارت مردم مستثنی نمی داند؛ اگرچه در عمل موردی برای اقدام اصلاحی پیدا نشود. و دلیل دیگر این نظارت پذیری مهدی(عج) این است که الگو بودن حکومت برای حکومت های قبل از ظهور هم باقی بماند که همه خود را نیازمند نظارت بدانند (رضوی، ۱۹۵۰).

امروزه نهاد تعلیم و تربیت، نقشی کلیدی و همه جانبه در توسعه جوامع ایفا می کند و یکی از نهادهای مهم و حساس در هر جامعه تلقی می شود که علاوه بر انتقال فرهنگ و تجارب بشری به نسل جدید، وظیفه ایجاد تغییرات مطلوب در دانش، نگرش و شکلهای رفتار نوجوانان و جوانان جامعه را بر عهده دارد. نگاهی گذرا به اهداف جمهوری اسلامی ایران در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) بیانگر این است که در موارد مختلفی در سند تحول آموزش و پرورش به فلسفه مهدویت و ارزش های مهدوی اشاره شده و توجه به این امر در میان نظریه پردازان آموزشی از اهمیت بسیار والایی برخوردار است به طوریکه در برای نخستین بار در تاریخچه نظام آموزش و پرورش ایران در متن سند تحول بنیادین، صراحتاً به برخی اصول، مبانی و اهداف در زمینه تربیت مهدوی فراگیران و انتقال آموزه های مهدویت، ترویج فرهنگ انتظار ظهور، معیار حیات طیبه و ایجاد جامعه زمینه ساز ظهور پرداخته شده است.

عدالت آموزشی مشتمل بر رعایت عدل و انصاف در تعامل، آموزش، راهنمایی و تدریس است و در مقابل بی عدالتی آموزشی گستره ی تبعیض، بی توجهی، عدم رفتار و برخوردهای یکسان بین اساتید و تا اندازه ای کارکنان با دانشجویان را در بر می گیرد. براساس پژوهش گلپور (۱۳۸۹) اخلاق تحصیلی متغیر واسطه ای در رابطه بی عدالتی آموزشی با فریبکاری تحصیلی و همچنین متغیر واسطه ای پاره ای در رابطه بی عدالتی آموزشی با پایبندی به قواعد نانوشته به عنوان یکی از ابعاد رفتارهای مدنی تحصیلی است. دلیل نظری اینکه اخلاق تحصیلی به صورت بالقوه می تواند واسطه اثرات عدالت یا بی عدالتی آموزشی با فریبکاری تحصیلی باشد، به نقش عدالت به عنوان حضور و اهمیت ارزشهای اخلاقی در محیط های تحصیلی مربوط میشود. به این معنی که عدالت خود به عنوان یک ارزش اخلاقی بسیار با اهمیت، برای افرادی که نشانه های عدالت را تجربه میکنند، حاوی اهمیت ارزش های اخلاقی در محیط های مختلف از جمله محیط های تحصیلی است.

سامری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود شاخص های نابرابری، شاخص امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی، امکانات علمی آموزشی دانش آموزی، شاخص منابع انسانی، شاخص اقتصادی و شاخص پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد پژوهش قرار دادند. یافته ها نشان داد بیشترین میزان نابرابری در شاخص های دانش آموزی و کمترین میزان نابرابری در شاخص پیشرفت تحصیلی بود. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که شاخص امکانات دانش آموزی دارای بیشترین و شاخص امکانات فیزیکی دارای کمترین تأثیرات بر نابرابری مناطق بودند. نتایج با استفاده از شبکه عصبی نیز نشان داد که بیشترین تأثیر را شاخص اقتصادی و کمترین تأثیر را نیروی انسانی در پیشگیری نابرابری مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی دارند. حق برخورداری از آموزش از جمله حقوق بشر به شمار می رود و گزارش های سالانه آمار آموزشی در مقیاس های ملی و بین المللی نمایان گر پیشرفت های کمی حاصل از برخورداری از این حق اجتماعی است. با وجود این به رغم موفقیت های به دست آمده در زمینه آموزش برای همه، شمار بی سوادان بزرگسال و کودکان واجب التعلیم خارج از مدرسه گواهی است بر ضرورت های تلاش برای دست یابی به کمیت بیش تر (مشایخ، ۱۳۸۱).

بعلاوه مهدویت در مفهوم مداخله خداوند در تاریخ بشر - از طریق تعیین مهدی (شخص به درستی هدایت شده) برای رهایی مردم از ظلم و ستم در آخرالزمان - ویژگی مهم بحث نجات و رستگاری در اسلام است. امیدها و انتظارات مربوط به مهدویت، بخشی از اعتقاد اولیه مسلمانان به [حضرت] محمد به عنوان پیامبر آخرالزمان بود. در آن موقعیت معادشناختی، انتظار می رفت که پیامبر با رسالت جهانی، بشریت را به سوی جامعه ای آرمانی رهنمون سازد. این انتظارات هم چنین جزو گرایش های اصلاح طلبانه و احیاگرانه جوامع یهودی - مسیحی عربستان در قرن های ششم و هفتم بود. پرداختن قرآن به واقعه قریب الوقوع روز قیامت و آیات الساعه [= نشانه های قیامت] - که نشان دهنده بی نظمی در عالم و دوران ترس و وحشت قبل از روزهای پایانی است - در درون شرایط فرهنگی و ایدئولوژیکی مربوط به پیشگویی درباره مهدویت در مبحث معاد و نجات و رستگاری [ادیان] ابراهیمی قابل فهم است. بی شک، کتاب و سنت در بردارنده عادلانه ترین قوانین هستند و در صورت حاکم شدن بی کم و کاست آنها، جامعه طعم عدالت را خواهد چشید. از این رو، یکی از گام های اساسی موعود منتظر، احیای کتاب و سنت رسول خداست که در طول زمان به فراموشی سپرده شده و یا قدرت اجرای آن فراهم نبوده و در نتیجه، جز پوسته ای از آنها باقی نمانده است. پیامبر خدا(ص) میفرماید: ((دوازدهمین فرزندم از دیده ها غایب شده و پنهان میگردد، تا این که زمانی برای امت پیامبر فرا رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشش باقی نماند. در این هنگام، خداوند بزرگ مرتبه به او اجازه قیام میدهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند)) (ساشادینا، ۱۹۸۱).

مهدویت ایده‌های فراگیر و همگانی است که همزمان با پیدایش تمدن در عرصه زندگی اجتماعی، صعود به مدینه فاضله و فراهم نمودن زمینه برای حکومت عدل جهانی، ذهن انسان‌ها را به خود مشغول کرده و به تدریج این ایده به یک آرمان تبدیل گردیده است و همه مسلمانان به نحوی آن را پذیرفته‌اند. لغت مهدویت برگرفته از نام امام مهدی (ع) است، ولی از آنجاکه نام آن منجی در میان مسلمانان مهدی (عج) است، این اندیشه را به اندیشه مهدویت نامیده‌اند. بنابراین، مفهوم مهدویت، یک اندیشه و تفکر برگرفته از کتاب‌های آسمانی است که با فطرت و سنن عالم خلقت موافق است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷). و از جمله آموزه‌های وحیانی است که ریشه در پاسخ به نیازهای فطری بشر دارد و گسترش فرهنگ خداواری، عبودیت، عدالت خواهی، ظلم ستیزی و شکوفا شدن تمامی استعدادهای بشری را نوید می‌دهد (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۲). راهکارهای گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی در پژوهش بابادی عکاشه و همکاران (۱۳۸۷) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که تأسیس انجمن‌های خیرین مدرسه ساز در مناطق محروم مهمترین راهکار موجود تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی است و راهکار توزیع متناسب معلمان با کیفیت و ماهر در مناطق مهمترین راهکار مطلوب تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی است. دیگر راهکار تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی مطابق یافته‌های مصاحبه آماده کردن برنامه ریزان نسبت به اهمیت و نتایج برابری فرصت‌های آموزشی است.

یافته‌های به دست آمده از تحلیل محتوای اسناد ششگانه توسعه پس از انقلاب نیز بر این نکته تأکید دارد که این اسناد در دوره‌های مختلف اهداف متفاوتی را پوشش داده‌اند. در اسناد اول تا سوم توسعه بر پوشش دادن به نیاز جامعه به نیروی کار ماهر، کاهش تصدیگری دولتی در ارائه نهادهای گوناگون آموزش عالی و همچنین پاسخگویی به نیاز حاصل از انباشت نسل برای تحصیل در دانشگاه تأکید شده است. اما در برنامه چهارم نخستین بار از عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر یاد و گسترش کمی با این اهداف دنبال می‌شود. به همین منظور، برنامه چهارم نخستین برنامه‌ای است که در آن بر حقوق قشرهای گوناگون اجتماعی و همچنین زنان برای دسترسی به آموزش عالی تأکید شده است. اما برنامه پنجم که با فاصله زمانی ۸ سال پس از پایان برنامه چهارم تصویب و اجرایی شد، اگرچه به دفعات در آن از عدالت آموزشی و دسترسی برابر به فرصت‌های آموزش عالی نام برده شده است، اما تمام آنچه در آن دیده می‌شود، استفاده از این فرصت برای گسترش آموزش عالی غیر رایگان و ارائه مجوز برای تأسیس دانشگاه‌های گوناگون است که آثار آن نیز با گسترش چشمگیر تعداد دانشگاه‌ها قابل مشاهده است (فریدونی و شادی، ۱۳۹۸). همچنین پایین بودن میانگین ابعاد چهارگانه عدالت، با پایین بودن میانگین خودباوری در هر چهار گروه آزمون تلازم دارد. از این یافته‌ها میتوان به عنوان عواملی که تبیین کننده مشکلات جامعه امروز هستند، یاد کرد؛ چرا که ریشه بسیاری از معضلات معاصر در بی عدالتی است که افراد در طی دوران‌های تحصیلی خود در نهادهای آموزشی ادراک کرده و به بقیه عرصه‌ها تسری میدهند. پایین بودن میانگین خودباوری در بین دانشجویان و دانش آموزان نیز مسأله‌ای است که باید مدنظر سیاست گذاران نهادهای آموزشی قرار گیرد (قلیپور و پیران نژاد، ۱۳۸۶).

تامپسون (۲۰۱۳) عدالت آموزشی را دربرگیرنده احیای رویکردهایی میداند که به نیازهای افرادی که از آموزش محروم شده‌اند پاسخ می‌دهد. ابتکار عدالت آموزشی در درست کارکردن برای توانمندسازی دانش آموزان آسیب پذیر و اولیای آنها است به روشی که بی عدالتی آموزشی حذف شود. عدالت به معنای رساندن افراد به حق و حقوق خود است که معنای آن از توجه به تفاوت‌ها تا یکسان

سازی برای تحقق این مهم در نوسان است. شهید مطهری، سه معنی موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت استحقاق ها و عطا کردن به هر ذی حقی آنچه استحقاق آن را دارد، برای مفهوم کلمه ی عدالت بیان می نماید (مطهری، ۱۳۹۱).

بحث و نتیجه گیری

در هر عرصه ای که انسان دست به رفتار و فعالیت می زند، بدون تردید اخلاق و ارزش های اخلاقی سهم قابل توجهی را در جهت دهی رفتار وی ایفا میکنند. یکی از عرصه هایی که معیارها و ارزش های اخلاقی نقش غیرقابل انکاری را در تصمیم گیری ها و رفتارهای نهایی افراد ایفا می کنند، عرصه تحصیل علم و دانش است. در کنار اخلاق تحصیلی، یکی از مفاهیم دیگری که با تحصیل علم و دانش ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی دارد عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی فرآیندی است که همه دست اندرکاران آموزش به آن اندیشیده و خواهان برقراری آن در محیط تحت نظارت خود می باشند. وقتی اساتید در تعامل با دانشجویان عدالت را رعایت می کنند از طریق احساس خود، ارزشمندی زمینه یارپرسانی دانشجویان به یکدیگر و مشارکت و پایبندی به قواعد را در آن ها بالا می برند. در این میان جریان مهدویت و انتظار، علاوه بر اینکه آرمان نهایی و ایجاد چشم اندازی روشن از آینده است که امید و شور می آفریند و به تکاپو وامی دارد، هدفی ویژه و خاص نیز دارد. هدف خاصی که در مهدویت یا مهدی باوری مطرح می شود، شناخت مهدی (ع) موعود به عنوان امام و جانشین خدا روی زمین، الگوگرفتن از او در ربوبی شدن یا تقرب به سوی خدا و یاور راستین او شدن در مسیر تحقق آن مدینه فاضله اسلامی است. باتوجه به روایات متعددی که از ائمه اطهار (س) در توصیف ارزشمندی جایگاه منتظران و خدمت کنندگان در رکاب آن حضرت بیان شده است، آرزو و هدفی که مهدویت برای شیعیان مطرح می کند، کسب شایستگی برای حضور داشتن بین لشکریان حضرت مهدی (ع) و تحت فرماندهی او به مبارزه با لشکر ظلم و ستم برخاستن است. اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی، ایده های عمومی و همگانی است. این اعتقاد همواره مورد توجه ادیان توحیدی قرار داشته است. اما در میان ادیان توحیدی، دین اسلام و بین فرق و مذاهب مختلف این دین آسمانی، شیعه به طور دقیق تر، این موضوع را مورد توجه قرار داده است. روایات فراوانی از ائمه اطهار (س) در دست است که شیعیان را متوجه امام مهدی (ع)، غیبت ایشان و ویژگی ها و وظایف شیعیان یا منتظران در عصر غیبت کرده اند.

بر اساس مبانی تجربی و پژوهشی بیان شده می توان نتیجه گرفت که ارائه مفاهیم مربوط به مهدویت و انتظار، در محتوای کتاب های درسی نظام آموزشی ایران چندان مطلوب نیست، در حالی که آموزش و پرورش، نقش اساسی در انتقال آموزه های مهدویت به نسل جوان به عهده دارد و در نظام های آموزشی ایران کتاب های درسی، اهمیت ویژه ای دارند، به طوریکه غالب فعالیت های آموزشی و پرورشی در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می شود. در این راستا عدالت آموزشی یکی از جنبه های عدالت است که تحقق آن در سازما نه های آموزشی برای تربیت فراگیران عدالت محور امری ضروری و حیاتی است. با توجه به اهمیت عدالت آموزشی در آموزش و پرورش و نقش فراگیران در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی لازم بود تا مؤلفه های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ترسیم گردد تا اهداف آموزش و پرورش و جامعه محقق گردد. همه اصلاحات، سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و تصمیمات خرد و کلان در نظام های آموزشی برای تحقق عدالت آموزشی و دسترسی عادلانه همه یادگیرندگان جامعه به فرصت های آموزشی انجام میشوند. برای اینکه بتوان اهداف تعیین شده را محقق کرد باید به تمام ذینفعان آموزشی، نحوه مشارکت، نیازها و تفاوت های آنها، شرایط فردی و خانوادگی، جنسیت، محل سکونت، قومیت، مذهب و دوزبانه بودن آنها توجه کرد. مضمون فراگیر

بسترسازی عادلانه توزیع منابع شامل مضامین سازمان مشارکت جمعی، تصمیم سازی عادلانه، همه جانبه نگری برنامه درسی است. برای اینکه بتوان دسترسی عادلانه به فرصت های آموزشی را برای همه یادگیرندگان جامعه ایجاد کرد باید زمینه های رسیدن به آن را نیز پیشبینی کرد. از این رو برای دستیابی به عدالت آموزشی و بهره مندی کلیه یادگیرندگان از منابع بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، نژاد، قومیت، زبان، مذهب و خانواده باید توزیع منابع به شکل عادلانه و با توجه به شرایط کلیه یادگیرندگان انجام شود. برای رسیدن به این مهم و دستیابی عادلانه به فرصت های آموزشی لازم است که منابع انسانی کارآمد و ماهر در همه مناطق توزیع شوند. همچنین باید در توزیع و تخصیص منابع همه یادگیرندگان، نیازها و شرایط آنها در نظر گرفته شود. با توجه به یافته های پژوهش وضعیت بهداشتی یادگیرندگان یکی دیگر از مقولاتی است که باید در دسترسی عادلانه به تسهیلات و امکانات باید به آن توجه شود و با توجه به شرایط جسمی یادگیرندگان و محل زیست آنها امکانات و تسهیلات بهداشتی فراهم گردد.

پیشنهادهای

۱. اصول عدالت و بی عدالتی آموزشی از طریق کارگاه های آموزشی به اطلاع کارکنان و اساتید رسانده شود و به آنها آموزش داده شود تا این اصول را در محیط های کاری خود بکار گیرند.
۲. با توجه به کاستی های موجود در اسناد آموزشی در تعیین نقش اساسی عدالت آموزشی در آموزش و پرورش، پیشنهاد می شود دست اندرکاران آموزش و پرورش مؤلفه های شناسایی شده عدالت آموزشی را برای مسئولین، کارشناسان و مدیران مدارس تشریح کنند تا آنها در تدوین برنامه های خود جهت بسترسازی عادلانه توزیع منابع، بهره مندی عادلانه یادگیرندگان از منابع و شایسته پروری در برنامه های سالانه خود اهتمام ورزند و عدالت آموزشی را با توجه به تنوع میان فراگیران و منابع موجود تحقق بخشند.
۳. معلمان باید تلاش کنند از برخوردهای ناعادلانه با دانش آموزان دوری کرده، به طور برابر به مشکلات درسی و علمی آنان رسیدگی کنند تا احساس خوشایندی در دانش آموزان برای یادگیری به وجود آید.
۴. جهت توانمندسازی فراگیران برنامه هریزان و مدیران مدارس باید به نیازها و علایق دانش آموزان توجه کنند و با توجه به تفاوت های میان آنها برنامه های مهارت آموزی و کارآفرینی را برگزار کنند.

منابع

۱. بآباد عکاشه، ز.، شریف، س. م.، و جمشیدیان، ع. (۱۳۸۷). تأمین و گسترش برابری فرصت ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی. ۱۰ (۳۷). صص ۲۸۷-۳۰۵.
۲. بشیری، حسین (۱۳۷۹). تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، نشر نی.
۳. پورپاکی، آذر (۱۳۹۳). بررسی رویکردهای نوین در نظام آموزش و پرورش پویا و مؤثر، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به نقل از - نشریه نگاه وزارت آموزش و پرورش، هفته اول، صص ۴۱-۲۸.
۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶). جامعه شناسی و آموزش و پرورش. تهران: علم.
۵. دانایی فرد، حسن و جهرمی، محمدصادق (۱۳۹۴). تحلیلی بر انسجام نظریه عدالت در خطمشی های آموزشی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد ارزیابی نظریه برنامه. اندیشه مدیریت راهبردی، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۱. صص ۱۰۸-۷۳.
۶. رضوی. اس. ا. (۱۹۵۰). نهضت مهدویت در هند؛ فصلنامه هند در سده های میانی، ش ۵۱، ۱۹۵۰، صص ۱-۲۵.
۷. ساشادینا، ای. ای. (۱۹۸۱). مهدیت در اسلام؛ ایده مهدویت در شیعه اثنی عشری؛ آلبانی، نیویورک.
۸. سامری، م.، حسینی، م.، سبذ عباس زاده، م. م.، و موسوی، م. (۱۳۹۴). تبیین نابرابری های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی: موردشناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی. جغرافیا و آمایش شهری و منطقه ای. ۱۴. ۱۵۰-۱۲۲.
۹. سلیمان کامل. یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی. بیروت، ۱۹۷۹/۱۴۰۰.
۱۰. سیاری، حبیب الله؛ لطفی پور، پیمان و کاظم پور، اسماعیل (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه عدالت آموزشی. فصلنامه روانشناسی تربیتی شماره بیست و سوم، سال هشتم، بهار ۹۱.
۱۱. فریدونی، سمیه؛ روحانی، شادی (۱۳۹۸). سیاست های گسترش کمی آموزش عالی در ایران و پیامدهای آن بر عدالت آموزشی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۵، شماره ۲. صص ۲۱-۱.
۱۲. قلی پور، آرین؛ پیران نژاد، علی (۱۳۸۶). بررسی اثرهای عدالت در ایجاد و ارتقای خودباوری در نهادهای آموزشی. پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۵۳. صص ۳۷۴-۳۵۷.
۱۳. کشیشیان: ژوزف (۱۹۹۹). احیای اسلامی و تحول در عربستان سعودی؛ نامه های جهیم العتیبی به مردم سعودی. جهان اسلام، ۸۰، م، ج ۱ صص ۱-۱۶.
۱۴. گلپور، محسن (۱۳۸۹). بررسی نقش اخلاق تحصیلی، عدالت و بی عدالتی آموزشی در رفتارهای مدنی تحصیلی دانشجویان. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۵ (۴). صص ۴۲-۲۵.
۱۵. نظم فر، حسین، علی بخشی، آمنه (۱۳۹۳). سنجش نابرابری فضایی در برخورداری از شاخص های آموزشی با روش تاپسیدیس، دو فصل نامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۳ (۶). صص ۱۱۵-۱۳۵.

۱۶. نظم فر، حسین؛ علوی، سعیده و عشقی، علی (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری های فضایی - آموزشی و فرهنگی در کلان منطقه آذربایجان، فصل نامه برنامه ریزی منطقه ای، ۸ (۲۹)، ۲۷-۴۰.
۱۷. نیکنام، زهرا؛ مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۵). "ساخت و سازگرایی دیالکتیکی و ارائه چارچوب نظری مبتنی بر آن". فصلنامه مطالعات برنامه درسی. سال اول. شماره ۲.
۱۸. هاجسن، مارشال جی. اس (۱۹۹۵). نظام حشاشین؛ مبارزه نخستین اسماعیلیان نزاری با جهان اسلام.
۱۹. هرندی، فاطمه؛ کریمی، فریبا؛ نادری، محمدعلی (۳۹۸). شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران. فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی. دوره ۱۳. شماره ۴۷. صص ۵۵-۷۵.
۲۰. وال، جان (۱۹۹۱). بنیادگرایی در جهان اعراب سنی: مصر سودان. در بررسی بنیادگرایی با ویرایش مارتین ای. مارتی و آر. اسکات اپل بای، شیکاگو، صص ۳۴۵ - ۴۰۲.

21. Faqihi, A. N. Jafari Harandi, R. & Najafi, H. (2013). Educational Strategies Pave The Way for Emergence; Adapted from Hadiths. The Promised East, 7 (9), 90-65.

22. Levin, Henry.M.(2008).The economic payoff to investing in educational justice. Educational researcher ,Vol. 38, no.1,pp.5-20

23. Mapua, Jephias.(2009).Confronting challenges to e-learning in higher education institutions. International journal of education and development using information andcommunication technology (IJEDICT), vol.5, issue 3, pp-101-114.

24. Safi Golpayegani, L. (2008). Originality of Mahdism, Hazrat Masoumeh Publications, Qom.

25. Tiene, Drew.(2002). Addressing the global digital divide and its impact on educational opportunity. EMI 39:3/4-Icts and media, pp,211-222. Educational media international . Routledge.

Examining educational justice in Mahdavi society (Islamic government)

Neda Akbarzadeh

Bachelor of Elementary Education

Narges Zarifi

Bachelor of Educational Sciences, teacher

1-1-

Abstract - ۲-۱

Mahdism and justice is one of the important teachings of Islam, especially Shia, which has received the attention of the society more from the point of view of belief. Although there have been some researches related to the educational functions of these teachings, there is little research that has examined these teachings in a coherent and systematic way from an educational point of view. In this research, we tried to look at this original doctrine from an educational and relatively new point of view, and by analyzing its educational aspects, we tried to explain the characteristics of Mahdavi education and justice. To achieve this goal, using the qualitative approach and the descriptive-analytical method, the data required for the research has been collected in a library manner. This means that firstly, various definitions of education and their description have been collected and then a definition based on the analysis obtained from those definitions and its components has been attempted. In the end, the findings indicate that the educational system is facing a challenge in the field of educational justice and it is necessary that those involved in the education system, teachers and parents, with full knowledge of Mahdavi teachings, should implement educational justice in accordance with Mahdavi teachings. to develop in the educational system of our country.

Key words: Islam, education, educational justice, Mahdism